

دکتر سیده رقیه

روز بهمان بقلم شیرازی

از حشیت صوفی بزرگ ایران

روز بهمان را سلطان عارفان و برهان عالمان و قدوه عاشقان و سرور ابدال خوانده اند. وی در اطراف شیراز و کوه‌های آن سریافته‌های سخت پرداخت و مجدده‌های بلوغ نمود. مولف تحفته العرفان گوید اگر چه علوشان او و مرتبت سلطان او بجز به عنایت ربانی و توفیق و رعایت سبحانی بود اما در ابتداء حالش ریاضت بسیار و مجاهدت بیشتر با اختیار کشیده.

فقیه حسین گفته که وی صاحب ذوق و استغراق و وجد دائم بود. سوزش باطن وی آرام نمیگرفت و اشک او بازمی‌ایستاد و هیچ وقت اطمینان نمی‌پذیرفت و هیچ‌گاه از ناله بازمی‌ماند هر شب بگریه و ناله مشغول بود.

مولف تحفته العرفان از بعضی مصنفات روز بهمان نقل میکند "چون بسن پست و پنج سال رسیدم و حشیت عظیم از خلق مرا ظاهر شده گاه‌گاهی نسایم قدس بر جانم میوزید، نمی‌دانستم که چیست. گاه‌گاهی هاتمی از غیب آوازی دادی، تادرش می‌در صحرا بی بودم، آوازی شنیدم بغایت خوش، چنانچه از آن آواز شوری عظیم و وجدی بر من غالب شد، از پی میرفتم تا بسرتلی رسیدم، شخصی

شجره تصوف - روز بهان بقلی دو شجره تصوف دارد -

۱- بنقل تحفته العرفان نخشین شجره تصوف روز بهان ازین قرار است - روز بهان سراج الدین خلیفه (احمد بن عبدالکریم) خطیب ابوالقاسم محمود بن احمد بن عبدالکریم خطیب ابوبکر بن محمد ابواسحاق ابابیم بن شهر یار کازرونی، حیسن اکار ابوعبداللہ محمد بن خضیف شیرازی، ابومحمد جعفر حذاه ابوعمران اصطخری، ابوتراب نخشی، ابوموسی سراعی، اولیس قرنی، امیر المؤمنین علی محمد رسول اللہ ﷺ - ہمیں شجره در مجمل فصیح خوانی در حوادث ۶۰۶ آمده با جزئی تصوف و ماسینیون ہم همیں شجره را نقل کرده است -

۲- ہم بنقل تحفته العرفان شجره دیگر تصوف روز بهان از شیخ کبیر ابوعبداللہ محمد بن خضیف بہ بالا چنین است -

شیخ کبیر ابوعبداللہ (محمد بن خضیف) رویم جنید سری، معروف کرنی، داود طائی، حسن بن ابی الحسن بصری، امیر المؤمنین علی محمد مصطفی ﷺ -

سلسله روز بهانیه - مؤلف شد الا زار گوید "روز بهان را در نواحی عالم اصحابی بود کہ بحسن طریقتش معترف و از دریاہای ہیفتشش بہرہ میبردند - خداوند جامہ های ولایتہارا بدو پوشانید تا خلق بتوسطوی بدو متوسل گردند"

روز بهان بقلی سلسله روز بہانیه را تاسیس کرده کہ آقای ماسینیون بنقل از سید مرتضی زبیدی استاد آرا چین نقل میکند -

روز بہان بقلی (متوفی ۶۰۶) پسر وی احمد (فخر الدین) نوادہ وی روز بہان ثانی صدر الدین احمد (متوفی ۶۸۵) پدرا بر اہیم نویسنده ترجمہ احوال وجد روز بہان ثالث صدر الدین) عبدالودود خالوی فرید الدین (شد الا زار، نمرہ ۲۳۹) عبدالقادر طاوسی غیاث

(یا قوام الدین محمد بن غیاث) کازرونی، نورالدین ابوالفتوح احمد طوسی (متوفی ۸۷۱) علی بن محمد، احمد بن محمد نهر والی، قطب محمد بن احمد بن محمد هروالی (۹۱۷-۹۹۰)، احمد بابا سودانی (۹۶۳-۱۰۳۲) قاضی معروف تمبوکتو، عبدالقادر غسانی فاسی (متوفی ۱۰۳۲) عبدالقادر زری فاسی (شاذلی ۱۰۰۷-۱۰۹۱) نواده وی محمد صغیر (متوفی ۱۱۳۲) محمد ابن عبداللہ ابن ابوب تلمسانی، زبیدی (۱۱۴۰-۱۲۰۷=۹۱۷م)۔

رباط روز بہان۔ روز بہان بقلی رباطی در باب الخدش (شیراز) بنا کرد کہ در ان مریدان را ارشاد میکرد و آئیندگان و روندگان را اطعام میفرمود۔

مؤلف تحفۃ العرفان گوید ”چنین منقولست کہ چون (روز بہان) از سکر بصحو آمد در شیراز بناء رباط مبارک فرمود در باب خدش بن منصور در تاریخ سنہ ستین و خمسہ و ذکر آن فرمود کہ ”بناء این رباط برای اولیاء حق است“

روز بہان خود پس از مرگ جنب ہمین رباط۔ کہ بر براط قدیم معروف شد۔ مدقون گردید و بعد ہا رباطی جدید بر ان ضم کردند۔

سماع۔ روز بہان را مجلس سماع بود۔ مؤلف تحفۃ العرفان آرد ”منقولست کہ بشی امام فقیہ ارشد الدین۔ باشیخ (روز بہان) در سماعی بودند۔ شیخ را وقت خوش شد۔ امام باشیخ در حرکت آمد، حالی عظیم امام را روی نمود۔ روز دیگر در مسجد جامع نوبت تذکیر فقیہ ارشد الدین بود رقعہ ای نوشتند کہ روشن باشیخ روز بہان در سماع و چرخ امام را وقت خوش گشت گفت۔ اگر آنچه من ارشیخ روز بہان دیدم اگر ملک مقرب دیدی بچرخ آمدی“۔

مؤلف شد الا زار نویسند ”در آخر عمر از سماع باز ای تاد۔ از وسبب پرسیدند گفت ”اکنون من از خدای۔ عزوجل۔ سماع میکنم، پس از آنچه از غیر او سماع کردم پرہیز مینمایم فقیہ در تعبیر این

کلام گوید۔ یعنی من در دریاہای اسرار قرآن غوص کنم پس آنچه را از مضامین عظمت و کبریا و جلوت وی بر ما بصفات جلال و جمال آمدہ می‌شنوم“

کرامات۔ کرامات و خوارق عادات بسیار از شیخ روز بہان در کتب و مخصوصاً در تحفۃ العرفان (باب اول و باب سوم و باب ہفتم) نقل شدہ کہ ما از ذکر آنہا صرف نظر می‌کنیم۔

جمال در نظر عارفان۔ یعنی از موفیان عقیدہ دارند کہ پرستش جمال و عشق صورت آدمی را بجمال معنی میرساند کہ چون معنی جز در صورت نتوان دید و جمال طاہر آئینہ دار طلعت غیب است؛ پس مالہ خود در قید صورت و گرفتار صوریم بمعنی مجرّد عشق نتوانیم داشت؛ و ازین رو بنیاد طریقت خود را بر اساس جمل پرستی متکی ساختہ بزبانی صورت عشق میورزیدہ انہ۔

ابو تکر محمد بن ابی سلیمان داود اصفہانی (متوفی ۲۹۶ھ) در کتاب الزہرۃ از جمال و عشق سخن میراند۔

ذوالنوان مصری (متوفی ۲۳۵) یکی از نخستین کسانی است کہ خدا را در صورت زیبای طبیعت میدید۔

ابوحزہ و ابوالحسن احمد بن محمد نوری (متوفی ۲۹۵) نیز در ہمین طریق گامزن بودہ اند۔

امام احمد غزالی مؤلف کتاب سوانح (متوفی ۵۲۰) ہمین راہ را طی میکرد۔

روز بہان بقلی (متوفی ۶۰۶) درین طریقہ ممتاز است و ما ازین پس از عقیدہ

او بحث خواہیم کرد۔

سر دستہ این گروه مولانا جلال الدین مولوی و خواجہ حافظ میباشند۔

روز بہان بقلی در کتاب ”منطق“ یک سلسلہ تفکرات منی بر عشق و جمال آورده

است۔

عشق صوری روز بهان - ابن العربی در باب ۷۷ از فتوحات المکیه در

ذکر نوع ششم در علوم محرفه که علم خیال باشد و عالم آن متصل و منفصل است گوید -

”شیخ روز بهان در مکه مجاور بود و کان کثیر الزعقات فی حال وجده فی اللہ بحیث انه کان - شوش علی الطائفین بایست، فکان یطوف علی سطوح الحرم و کان صادق الحال - ناگاه بحجت زنی مغنیه مبتلا شد و هیچ کس نمیدانست و آن وجد و صیحه‌هایی که در وجد فی اللہ می زد، هم چنان باقی بود اما اول از برای خدای تعالی بود و این زمان از برای مغنیه دانست که مردم را چنان اعتقاد خواهد شد که وجد و صیحات وی این زمان نیز از برای خدای تعالی است، به مجلس صوفیه حرم آمد و خرقة خود بیرون کرد و پیش ایشان انداخت و قصه خود با مردم بگفت و گفت - نمی خواهم که در حال خود کاذب باشم، پس خدمت مغنیه را لازم گرفت حال عشق و محبت ویرا با مغنیه گفتند و گفتند که وی از اکابر اولیاء اللہ است - مغنیه توبه کرد و خدمت ویرا پیش گرفت - محبت آن مغنیه از دل وی زایل شد به مجلس صوفیه آمد و فرقه خود در پوشید -“

عشق جمال - روز بهان بقلی عشق شدیدی بصور زیبا و جامه‌های آراسته داشته

است - فرشتگان در نظر او مانند زنان کیسوس گوشوار، مروارید و حجاب نورانی دارند و موریان پایهای خود را می آرایند -

روز بهان به موسیقی علاقه مند بود - فرشتگان در نظر وی طنبور و مزمار و انبیاء صور داشته اند - حضرت الوهیت در نظر روز بهان همچون گلی سرخ است که همه منظره را فرامیگیرد، همه جا گل‌های سرخ سایه افکن میباشند، گل‌های سپید و سرخ بیننده را احاطه میکنند - رنگ غالب در رویاهای روز بهان رنگ قرمز بادیه و خون است -

جای درنجات الانس از کتاب کشف الاسرار روز بهان چنین نقل کرد ”قوال باید که

خوب روی بوده که عرفان در مجمع سماع بجهت تروح قلوب به چیز محتاجند رواتح طیبه و وجه صبح
و صوت ملیح-----“

آثار روز بهان - الف نثر

مؤلف شد الا زار آرد” در هر نوع از تفسیر و تاویل و حدیث و فقه و اعتقاد و تصوف
تصنیف دارد“

۱- در تفسیر و تاویل - دو تفسیر ساخته

ا- لطائف ایمان فی تفسیر القرآن -

ب- عرائس البیان فی حقائق القرآن -

۲- در شرح احادیث - در شرح حدیث مشکل دو کتاب معتبر ساخته

ا- کتاب مکنون الحدیث

ب- کتاب حقائق الاخبار -

۳- در فقه - کتاب الموشع فی المذهب الاربعه -

۴- در اصول -

ا- کتاب العقائد

ب- کتاب الارشاد

ج- کتاب المناهج -

۵- در تصوف -

ا- کتاب مشرب الارواح

ب- کتاب منطق الاسرار بیان الانوار -

- ۶- شرح الشطحيات فارسی -
 این شرح فارسی روز بهان بقلی بر شطحيات عرفا و از جمله کتاب "الطواسين"
 منسوب بحسين بن منصور حلاج است -
- ۷- کتاب لوامع التوحيد
- ۸- کتاب مسالك التوحيد -
- ۹- کتاب كشف الاسرار و مكاشفات الانوار -
- ۱۰- کتاب شرح الحجب و الاستار في مقامات اهل الانوار -
- ۱۱- کتاب سير الارواح - ماسينيون آنرا کتاب "مصباح" ميدانہ این کتاب
 بزبان عربی است -
- ۱۲- کتاب العرفان في خلق الانسان -
- ۱۳- رساله الانس في روح القدس -
- ۱۴- کتاب غلطات السالكين -
- ۱۵- کتاب صلوة العاشقين -
- ۱۶- کتاب تحفة المحبين -
- ۱۷- کتاب عمير العاشقين -
- ۱۸- کتاب صلوة القلوب -
- ۱۹- ديوان المعارف -
- ۲۰- کتاب صفوة مشارب العشق -
- ۲۱- کتاب مینج السالکین -

۲۰- کتاب مقایس السماع-

ب- شعر روز بهان-

در تحفته العرفان از ورق ۱۰۸ ابجد اشعاری تحت عنوان "فرا الاشعار المحصره لشیخ"
آمده که شامل انواع ذیل است-

قصیده بمطلع-

منم که مطلع صبح ازل جنان منست

منم که خازن سر قدم روان منست

غزل بمطلع-

چون فروشد ز ورق از دریای اخضر نیم شب

شد جهان مانند جوی دریای عنبر نیم شب

غزل بمطلع-

یوسف مصری که دست از عشق تو بریده اند

شاهد عصری که عشقت را بجان بخزیده اند

مثنوی بمطلع-

ای قدیمی که در جلال قدم

نبود ذات تو قرین عدم

رباعی-

دل داغ تو دارد ارنه بفروختی

در دیده تویی اگر نه بردوختی

جان منزل نست ورنه روزی صد بار

در پیش تو چون سپند به سوختی

چنانکه گفتیم مؤلف تحفته العرفان از جمله آثار شیخ "دیوان معارف در اشعار" رایاد

کرده است ولی معلوم نیست که این کتاب محتوی اشعار خود اوست یا اشعار دیگران یا هر دو.

روز بهان بزبانهای محلی فارسی نیز اشعاری داشته است.

مؤلف تحفته العرفان گوید.

شیخ ما قدس سره دونوبت بکعبه رفته بود و وقفه یافته بود از معتبران منقولست که چون شیخ

بکعبه رسید پس در کعبه رفت و قنش خوش گشت حلقه کعبه را بگرفت و "بزبان نیریزی" فرمود.

بیت نیریزی.

وش روی تو گل جوشد دست

وقالیش و بوشد دست

روی گلشن دوست مو

شه ناخن بس کس کوشد دست

این بگفت و حلقه در کعبه را بجانانید.-----"

۱- را چند رباعی از روز بهان در ضمن اشعار منتخب به ابوسعید ابوالخیر آمده (ابوسعید

ابوالخیر.--- مقدمه نفیسی ص ۵۹)

۲- عبر العاشقین ص ۸۳.



فهرست منابع

- ۱- اقتباس درج بالا از کتاب عبهر العاشقین من تصنیف شیخ روزبهان بقلی شیرازی (۵۲۲-۶۰۶ هـ) ماخوذست -
- ۲- عبهر العاشقین از روزبهان - ص ۵۰
- ۳- عبهر العاشقین از روزبهان بقلی شیرازی -
- ۴- این داستان راجامی در فحاحات الانس و محصومعلی شاه در طرائق الحقائق بنقل از فتوحات آورده اند -
- ۵- بخش شرح طواسین در سنه ۱۹۱۳ میلادی توسط آقای لوی ماسینیون متشرق فرانسوی در پاریس بطبع رسیده است -
- ۶- ماخص نمونه یک قصیده و یک غزل و یک رباعی را از نقل میکلیم (از تحفته العرفان ورقه ۱۰۹ اب - ۱۱۰ الف) -
- ۷- چند رباعی از روزبهان در ضمن اشعار منتخب به ابوسعید ابوالخیر آمده (ابوسعید ابوالخیر - مقدمه نفیسی ص ۵۹)
- ۸- عبهر العاشقین ص ۸۳ -